

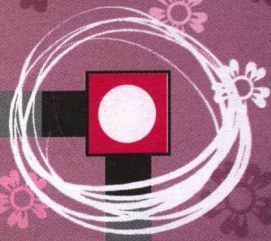


نشریه روزانه یازدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران - مبارک

شنبه ۱۸ شهریورماه ۱۳۸۵



میلاد مهدی موعود
بر همه منتظران
خجسته باد



واژه «عروسک گردان» (Puppeteer) سرچشمه‌ای نسبتاً جدید دارد. به نظر می‌رسد واژه «نمایش گر عروسک» در کشورهای انگلیسی‌زبان از زمان آغاز مدرنیسم در تئاتر عروسکی در آمریکا به کار گرفته شده است. مک‌فارلین در «گزارشی از نمایش‌های عروسکی» می‌نویسد: «لغت مناسب عروسک گردان برای کسی که یک عروسک را هدایت می‌کند در سال ۱۹۱۵ به‌وسیله بازی دهندگان عروسک‌های نخی در تئاتر کوچک شیکاگو در اثری به کارگردانی «ان ون وتنبرگ» ابداع شد. واژه دیگر عروسک گردان (Marionette) نیز به‌وسیله آلفرد ژوری در شیکاگو استفاده می‌شد ولی همگانی نشد.

... و حرف آخر اینکه

یازدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی تهران - مبارک هم تمام شد. به قول حمید جبلی در یادداشت خود، ما می‌مانیم و یک دنیا خاطره. بررسی جشنواره امسال از منظر اجرایی و کیفیت آثار شرکت‌کننده مجال مفصل طلب می‌کند که می‌گذاریم به‌عهده کارشناسان و زمانی دیگر. اما آنچه برای صاحب این قلم که پیش از کارها به مخاطب توجه داشتیم و آنها را دنبال می‌کردم جالب به نظر می‌رسید، توجه آنها و علاقه‌شان به داستان و قصه‌گویی بود.

باز هم همانطور که دوست نویسنده‌ام «امید بی‌نیاز» در قالب مقاله‌ای قلمی کرده این مسأله در تمام نمایش‌ها نیز نمودی آشکار و دو چندان داشت. ادبیات ایران چه حال و چه ماضی سرشار از داستان است. داستان‌هایی که بسیاری از آنها شامل مرور زمان نیز نمی‌شوند. پس یک رسالت تئاتر عروسکی می‌تواند همین باشد که پلی بزند بین ادبیات ملی و فولکلور ایران با مخاطب امروز، مخاطبی که رویا می‌خواهد و اندیشه و همه این‌ها در تئاتر عروسکی یکجا جمع آمده است.

این بحث مفصلی است و از آن می‌گذریم. روز نخست گفتیم می‌خواهیم آینه‌گردانی باشیم هم قد جشنواره، اینکه بودیم یا نه، قضاوتش با شما. اما به‌عنوان گرداننده این مجموعه جا دارد. تشکری ویژه داشته باشیم از بخش‌های مختلف مرکز هنرهای نمایشی که خواسته‌های ما را رد نکردند. تشکر می‌کنم از شکوفه هاشمیان و اختر تاجیک که دوستانه عکس‌هایشان را در اختیار بولتن گذاشتند و بالاخره دو خبرنگار فعال مطبوعات ندا آل طیب و مریم رضازاده که بسیار فعال و کوشا حتی فراتر از تعهداتشان به ما در کنارمان بودند. و در پایان می‌ماند حسین نوروزی که بسیار در تهیه این بولتن به او مدیونیم. حساسیت‌های نوروزی گهگاه از خود بنده به عنوان سردبیر بیشتر بود و او هم یا را فراتر از تعهد و قرار داد و ... گذارد. و بالاخره همه دوستانم که دست یاری خواه مرا رد نکردند و تا شب آخر با ریتمی یکسان و بدون وقفه آمدند و آمدند. از همین حالا امیدواریم نمایشگران عروسکی به فکر جشنواره دوازدهمی پر بارتر باشند.

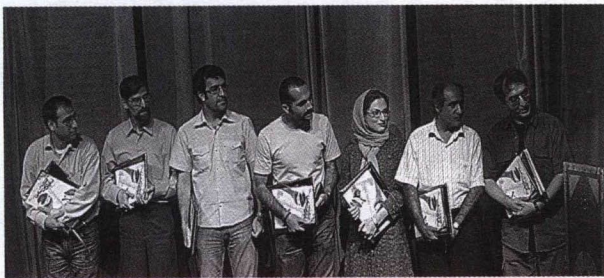
سردبیر

با اختتامیه جشنواره یازدهم

اختتامیه یازدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی تهران - مبارک، امشب ساعت ۲۰ در تالار وحدت برگزار می‌شود. در این برنامه متنوع پس از قرائت قرآن مجید و سرود جمهوری اسلامی ایران، برنامه‌ها به این ترتیب اجرا می‌شوند؛ گزارش تصویری جشنواره یازدهم، اجرای نمایش «انتظار» کاری از گروه عرفان، سخنرانی ماسیمو شوستر، رئیس یونیمای جهانی، اجرای قوالان هندی، سخنرانی دکتر محمدحسین ایمانی خوشخو، معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سخنرانی جواد ذوالفقاری، دبیر شورای سیاستگذاری جشنواره یازدهم، اجرای نمایش هدیه مرموز کار یاسر خاسب، اهدای لوح سپاس و تندیس جشنواره به تمامی گروه‌های شرکت‌کننده و اجرای گروه موسیقی کوبان با اشعاری درباره عروسک‌ها. گفتنی است پیش از شروع مراسم نمایش مزرعه حیوانات و چند نمایش خیابانی دیگر در محوطه و پارکینگ تالار وحدت به اجرا در می‌آیند.

عکاسان تقدیر شدند

عکاسان شرکت‌کننده در نمایشگاه عکس جشنواره، مورد تقدیر قرار گرفتند. مراسم تقدیر عکاسان، دقایقی پیش از اجرای دوم نمایش «مسخ» از لهستان با حضور حسین پارسایی، رئیس مرکز هنرهای نمایشی، جواد ذوالفقاری، دبیر شورای سیاست‌گذاری جشنواره و امیر عابدی، مسؤول هیأت انتخاب و جباری، مدیرعامل شرکت نوین تجارت پارسیان در تالار اصلی برگزار شد. در این مراسم که با اجرای حمید جبلی برگزار شد، شکوفه هاشمیان، سیامک زمردی مطلق، مریم محمدی، امیر عابدی، حسین سلمانزاده، ابراهیم حسینی، ناصر عرفانیان و سعید درویش نژاد مورد تقدیر قرار گرفتند. جوایز عکاسان توسط اسپانسر جشنواره، شرکت نوین تجارت پارسیان، تهیه شده بود.



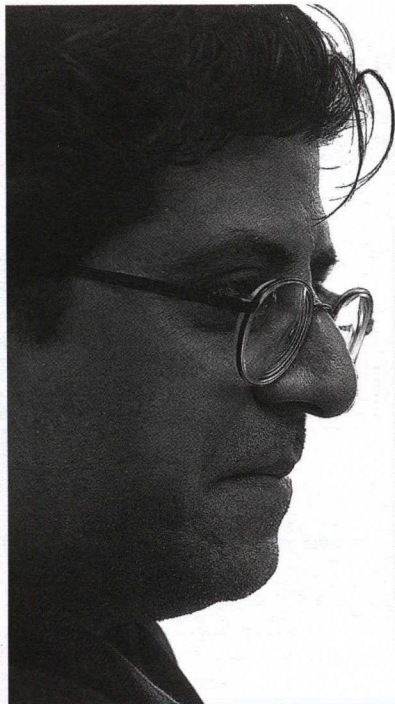
نشریه روزانه یازدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی تهران - مبارک

گروه خبر و گزارش: ندآال طیب، مریم رضازاده
گروه نقد و مقاله: رضا آسفته، امید بی‌نیاز، محمدرضا رستمی، آزاده سهرابی، بهزاد صدیقی و مهدی عزیزی
حروفنگار: ابراهیم نجفی
ویراستار و نمونه‌خوان: جواد قاسمی
مدیر فنی و ناظر چاپ: انونیسروان میرزایی
لیتوگرافی: ۱۲۸ - تلفن: ۶۶۹۶۴۱۳۰
چاپخانه و صحافی: نخستین - تلفن: ۶۶۷۰۵۴۶۲

زیر نظر ستاد برگزاری جشنواره
سردبیر: رامتین شهبازی
مدیر هنری: حسین نوروزی
مدیر اجرایی: حمیدهنری
دبیر عکس: رضا معطریان
با همکاری رنوقه رستمی ومهسا کریمی
ترجمه: امیلی امرایی
با سپاس ویژه از اسدالله امرایی



محمد اطبایی مدیر امور بین الملل مرکز هنرهای نمایشی: کارگاه های بی نظیری داشتیم



محمد اطبایی مدیر امور بین الملل مرکز هنرهای نمایشی در جشنواره امسال همچون دوره قبل وظیفه دعوت گروه ها و میهمانان خارجی را بر عهده داشت. او درباره بخش علمی جشنواره امسال گفت: «در این بخش کارگاه های بی نظیری برگزار شد و معتبرترین افراد نمایش عروسکی جهان کارگاه آموزشی را برگزار کردند.» وی با اشاره به اینکه از ماه های گذشته تماس هایی برای حضور گروه های خارجی در بخش بین المللی آغاز شده بود، گفت: «در آستانه گشایش جشنواره به دلیل جنگ لبنان و اوضاع خاورمیانه چند گروه انصراف خود را به ما اعلام کردند و این عدم حضور باعث شد که کمی در برنامه ریزی هایمان تغییراتی پدید آید.» وی در باره کارگاه ها افزود: «با اینکه تبلیغات خوبی برای اجرای این کارگاه ها انجام شد، هنرمندان و دانشجویان به دلیل گرفتاری نتوانستند در برخی از کارگاه ها شرکت کنند و این فرصت را از دست دادند. امیدوارم شرایط دیگری را برای جبران این تعطل بیابند.» وی به برنامه عرصه بین الملل تئاتر کشور اشاره می کند. و می گوید: «برنامه های وسیعی را برای ارتباط بیشتر تئاتر عروسکی با مجامع بین المللی ترسیم کرده ایم و از دوسال قبل تاکنون گروه های بسیاری به اروپا و کشورهای آسیایی برای اجرای عمومی و جشنواره ای اعزام شده اند.» اطبایی تأکید کرد در این عرصه حمایت را قطع نخواهیم کرد.

همچنین «ماسیمو شوستر» دبیر کل یونیمای جهان و «جین فرر» مدیر اجراهای بین المللی گروه تئاتر عروسکی لهستان نیز از این نمایش دیدن کردند.

امیریان، پرکار با هفت کتاب عروسکی

سیمین امیریان برای اهالی تئاتر عروسکی نامی آشناست. او امسال در جشنواره یازدهم حضور ندارد. اما نامش به عنوان نویسنده و مترجم هفت کتاب در سال گذشته روی چند کتاب مربوط به نمایش عروسکی ثبت شد. نمایشنامه نویسی عروسکی و همسر بدخلاق، پادشاه اورگانو، کاتریلار، جنگ بزرگ، قصه گویی با عروسک های خوردنی و قصه گویی با عروسک ها آسان می شود، عناوین کتاب هایی هستند که امیریان تألیف و ترجمه آنها را به عهده داشته است. در این میان نمایشنامه نویسی عروسکی، کتاب تألیفی امیریان از مجموعه تئاتر و قلم بوده که توسط نشر قطره به چاپ رسیده است.



«پهلوان کچل» به روسیه سفید و ایرلند رفت

نمایش عروسکی «پهلوان کچل» با کارگردانی فهیمه میرزاحسینی و همکاری گروه تئاتر سیب، عازم دوازدهمین دوره از جشنواره عروسکی «روسیه سفید» و نهمین دوره از جشنواره عروسکی «ایرلند» شد. این نمایش که خیمه شب بازی است در نخستین روز از جشنواره یازدهم تئاتر عروسکی تهران - مبارک در تالار قشقایی و در دومین روز از جشنواره در فرهنگسرای اشراق به صحنه رفت و این بار عازم دو جشنواره عروسکی بلاروس و ایرلند شد. این نمایش پیش از این نیز در جشنواره های عروسکی «قره گوز» ترکیه و «وروسلاو» لهستان اجرا شده بود.

حسین سلیمی در تالار چهارسو

حسین سلیمی، یکی از مدیران اسبق مرکز هنرهای نمایشی روز گذشته به تماشای نمایش «خواب دیدم پاره های ماه چون پر می بارد» نوشته و کار مریم معینی نشست. سلیمی پیش از این دبیری هفتمین دوره از جشنواره عروسکی که سال ۱۳۷۷ برگزار شده بود، را به عهده داشت.

عروسک های مامان میهمانان یک هفته ای جشنواره

بین تمام غرفه های بازارچه کتاب و عروسک، یک غرفه در این یک هفته کاملاً مشخص بود. غرفه ای که میزبان عروسک های مامان بود. مامان که البته مامان بزرگ هم هست، دو سه سالی است که ساخت عروسک را شروع کرده. از بچگی دوست داشته با هرچه دم دستش می رسیده، عروسک بسازد. آموزش ندیده. تمام عروسک هایش اسم دارند. عروسک های او، شخصیت های دوره کودکی اش هستند که آنها را برای نوه هایش درست می کند و این طوری است که عروسک های مامان مجموعه ای است که مامان از خاطراتش، از آدم هایی که در بچگی با آنها زندگی می کرده، آدمی هایی که بودند و واقعی بودند، آدم هایی که اسم هایشان مثل خودشان ساده بود مثل تاج ماه، گل نما.

تغییرات در روز جمعه

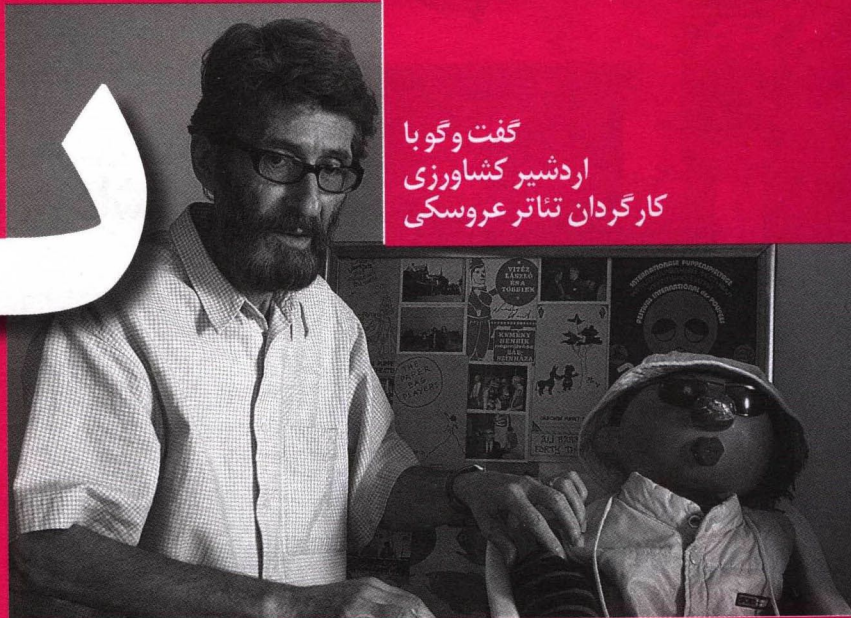
آخرین اجرای نمایش عروسکی «مالیخولیای گذر زمان» از کشور اسپانیا برگزار نشد و اولین اجرای نمایش خیابانی «مزرعه حیوانات» از کشور لهستان به دلیل تاریک نبودن هوا از ساعت ۱۸ به ۲۰ تغییر پیدا کرد.



نشریه روزانه یازدهمین جشنواره بین المللی نمایش عروسکی تهران - مبارک

بگفت

گفت و گوبا
اردشیر کشاورزی
کارگردان تئاتر عروسکی



مهدی عزیزی

در کودکی‌های ما خاطراتی هستند که هرگز غبار فراموشی برگرده‌شان نمی‌نشیند. در میان تمام خاطرات کودکی بی شک سریال‌ها، فیلم‌ها و کارتون‌هایی هم هستند که ما با آنها بزرگ شده‌ایم و رشد کرده‌ایم. هرچند که شاید امروز همگی خاطره‌های شده باشند اما فراموش نمی‌شوند. مثل سریال «آینه»، کارتون «پسر شجاع» و یا سریال «سلطان و شبان». اما شاید در میان آثار خاطره‌انگیز آن سالهای نه چندان دور یادگار دوران کودکی ما، مجموعه‌ی عروسکی «هادی و هدی» باشد. آن سال‌ها که انقلاب اسلامی اولین دهه‌ی حیات خود را با بروز جنگ تحمیلی سپری می‌کرد، و سیمای جمهوری اسلامی تولیدات انبوهی نداشت، کودکی اغلب ما با شخصیت‌های این مجموعه گره خورده بود.

«عروسکا، عروسکا، کجایید، کجایید؟ - مادر بزرگ، هادی، هدی بیایید، بیایید!»
این قطعه همه‌ی ما را یاد عروسک‌های بامزه‌ی مثل «هادی، هدی واق بابا» می‌اندازد که روزهای جمعه با آنها از طریق شبکه دو همراه می‌شدیم. حالا ما بزرگ شده ایم، قد کشیده ایم، هادی‌های آن روزگار حالا پدر شده‌اند و هدی‌ها مادر. و شاید یادمان نیاید که این مجموعه با تلاش چه کسانی بالغ شد و در ذهن ما جا باز کرد، شاید یادمان نیاید که «محمدرضا شمس» نویسنده اش بود، ازاده پور مختار، فریبا جدیکار، عزیز خاتمی و دنیا فنی زاده بازی دهنده‌گان عروسک، «مسعود صادقیان» طراح عروسک‌ها و «اردشیر کشاورزی» کارگردانش بود.

در آستانه‌ی یازدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی - مبارک در صدد گفت و گویی با «اردشیر کشاورزی» بر آمدیم که در کنار کارگردانی این مجموعه یکی از موثرترین افراد برای راه‌اندازی تئاتر عروسکی در ایران بوده است. این گفت و گو با چند سوال و حرفهای شنیدنی «اردشیر کشاورزی» همراه شد و ترجیح دادیم حرفها را عیناً منعکس کنیم تا تازه‌گی داشته باشند.

وقتی اسکار باتک به ایران آمد

حوالی سال ۱۳۵۰، من در رشته‌ی زبان فارغ التحصیل شدم. آن زمان دکتر مهدی فروغ رئیس و بنیانگذار دانشکده هنرهای دراماتیک ایران (صدا و سیمای فعلی) از اشنایانم بود. به دعوت او و دانشکده، «اسکار باتک» هنرمند و نمایشگر تئاتر عروسکی اهل کشور چکسلواکی به ایران آمد تا این رشته را تدریس کند. تا آن زمان رشته‌ی تئاتر عروسکی در هیچ کجا تدریس نمی‌شد و برای اولین بار در دو سال توسط «باتک» تدریس شد و پس از افزایش این دوره‌ی دو ساله به چهار سال، اولین کارشناسان رشته تئاتر عروسکی از دانشکده هنرهای دراماتیک فارغ التحصیل شدند.
من در کنار باتک به عنوان دستیار و مترجم حضور داشتم، البته با سختگیری دکتر فروغ من نیز توانستم این رشته را دنبال کنم.

ما به کانون رفتیم

پس از پایان دوره‌ی دو ساله من «اسکار باتک» را به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بردم، آنجا تنها جایی بود که تئاتر عروسکی را می‌توانست رشد دهد و بالغ کند.

دکتر فروغ، از این حرکت من رنجید اما باتک باید تئاتر عروسکی را همراه با یک گروه اجرا می‌کرد و کانون می‌توانست از وی حمایت کند. از حضور باتک در کانون استقبال شد و آموزش حرفه‌ای تئاتر عروسکی باید در سراسر کشور تداوم می‌یافت. چند نمایش همراه باتک اجرا کردیم: ششل هزار فسه، حادثه در شهر عروسک‌ها و نمایش عروسک نخی که برای اولین بار در ایران اجرا می‌شد. مبارک و بشارت در ابعاد بزرگ ساختیم و آن را با همراهی باله‌ی

تهران اجرا کردیم. در آن نمایش بی نظیر استاد عزت الله انتظامی نقال و لعبت والا گویندگی می‌کردند. این نمایش برای مسئولان وقت هم اجرا شد و سپس با اجرای عمومی آن مخالفت شد.

ماموریت باتک تمام شد

«اسکار باتک» که برای چهار سال تدریس به ایران دعوت شده بود، ایران را به مقصدی نامعلوم ترک کرد. حکومت آن زمان چکسلواکی پیرو کمونیسم بود و باتک با آنان مشکل داشت، بنابراین او به کشورش بازنگشت و مقیم اروپای غربی شد. پس از اینکه او ایران را ترک کرد تصمیم گرفتیم همراه دوستانی که در این مدت پیدا کرده بودم، چند نمایش را به صحنه ببریم. خوب بالاخره حضورم در کانون و دانشکده سبب شده بود، با عده‌ای آشنا شوم و به همراه زنده‌یاد کامبیز صمیمی مفخم، مرضیه برومند، اردوان مفید، سهیلا تسلیمی، بهروز غریب پور که در ضمنه‌ی کسانی بودند که با «باتک» همکاری داشتند، چندین نمایش را روی صحنه بردیم؛
نخودی، حادثه‌ای در شهر عروسک‌ها، ششل هزار فسه، فرشته سگ‌ها و.....

سفر به آمریکا

برای اجرای چند نمایش به لهستان، یوگوسلاوی و چند کشور دیگر در اروپای غربی سفر کردم و در کنار آن همراه دان لافون که بی شک او را می‌توان بنیانگذار تئاتر زنده برای کودکان و نوجوانان در ایران دانست، چندین و چند اجرا داشتیم. و پس از آن در اواسط دهه‌ی پنجاه تصمیم گرفتیم به آمریکا سفر کنیم. در این سفر با چند کارگردان و گروه تئاتر عروسکی (جان رایت، جرج لت



شهره روزانه یازدهمین
جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی
تهران - مبارک

زهرآرک



نشد. گروه موسیقی در تکثیر و انتشار آلبوم کار با تهیه کننده به مشکل برخورد و اجرای صحنه‌ای آن منتفی شد. بعد هم این کار را برای شبکه دوم ضبط تلویزیونی کردیم که به صورت تک قسمتی پخش شد. هر قدر هم تلاش کردم تا دوباره نمایش را اجرا کنم به دلیل سفر سازنده‌ی موسیقی کار این اتفاق هم مسیر نشد.

باید بگویم صدا و سیما پس از انقلاب در پیشرفت تئاتر عروسکی بسیار مفید و موثر عمل کرد و موجب گسترش این رشته شد. و اگر حضور شخصیتی مثل بهروز غریب پور در این حوزه نبود، تئاتر عروسکی ایران رو به افول می‌رفت.

جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی تهران

در نخستین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران که در مردادماه سال ۱۳۶۸ با ریاست دکتر علی منتظری برگزار می‌شد من و گروه دو نمایش به صحنه بردیم. «نمایش لی لی حوضک» نوشته همسرم الیزا جوهری و حادثه در شهر عروسک‌ها نوشته ژوزف که خودم ترجمه‌اش کردم، در هر دو نمایش مسعود صادقیان طراح عروسک‌ها بود و در تالار محراب اجرا رفتیم.

در هشتمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران نیز که شهریورماه ۷۹ با مدیریت دکتر مجید شریف‌خدایی برگزار می‌شد نیز نمایش «علی بابا و چهل دزد بغداد» را روی صحنه بردم که به دلیل محدودیت زمان برای اجرا و تعداد محدود نوبت تمرین دلچسب واقع نشد. در آن نمایش هم که تنها دو اجرا داشت، عادل بزوده، علی پاکدست، مریم اقبالی و الیزا جوهری (همسر) با من همکاری داشتند.

شوهر، ریچارد بی و دی هاندرسون) همراه شدم و به عنوان دستیار و بازیگر در چند نمایش که برداشتی آزاد از قصه‌های جک و ساقی، لوبیا، علی بابا و چهل دزد بغداد و سیندرلا بوده، با آنها همکاری کردم. معتقدم این سفر نیز همانند هر سفری مفید و پر بار بود.

پیروزی انقلاب اسلامی و بازگشت به ایران

پس از پیروزی انقلاب اسلامی به ایران برگشتم، هر قدر تلاش کردم با همکاران سابقم در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ارتباط برقرار کنم، موفق نشدم. برخورد سرد و ناچونمردانه‌ی این دوستان سبب شد تا تصمیم گرفتم به مدیریت تئاتر شهر مراجعه کنم و با حمایت مدیریت جدید نمایشی را برای اجرا آماده کنم. دکتر حجت‌الولین رئیس تئاتر شهر بود، نزد ایشان رفتم و خودم را معرفی کردم. هر چه از گذشته می‌دانستم بازگو کردم. ایشان هم مرا با اغوش باز پذیرفت و اطمینان داد، هر امکاناتی که من و گروهم نیاز داشته باشیم برایشان فراهم کند. همراه دوستان و همکارانم (ایرج رامین، فرواحد خاکدان، اسماعیل پور رضا، عزیز حاتمی، سودابه گوهری و...) نمایش «حسن و لوبیای سحر آمیز» را برای اجرا در تئاتر شهر آماده کردیم، بسیاری کار موفقی هم از اب در آمد.

هادی و هدی ماندگار شدند

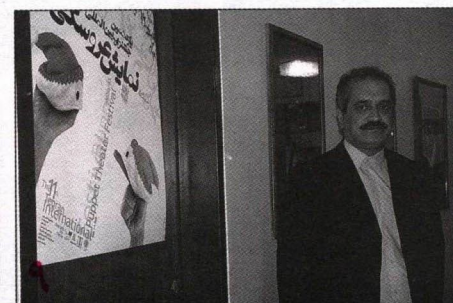
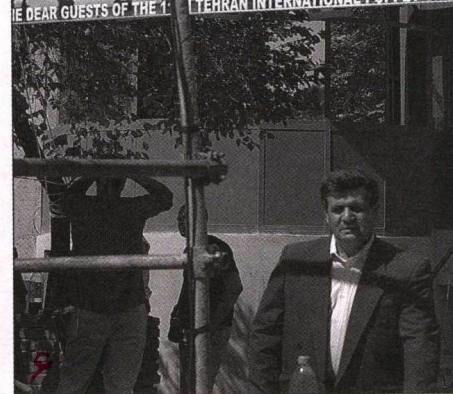
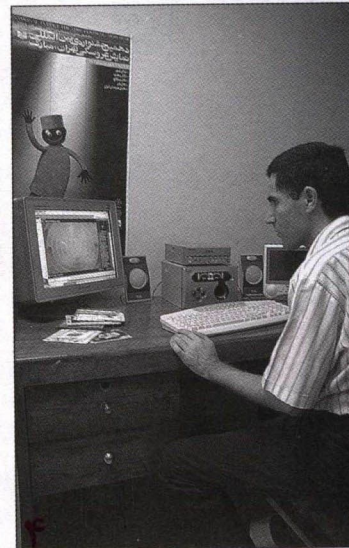
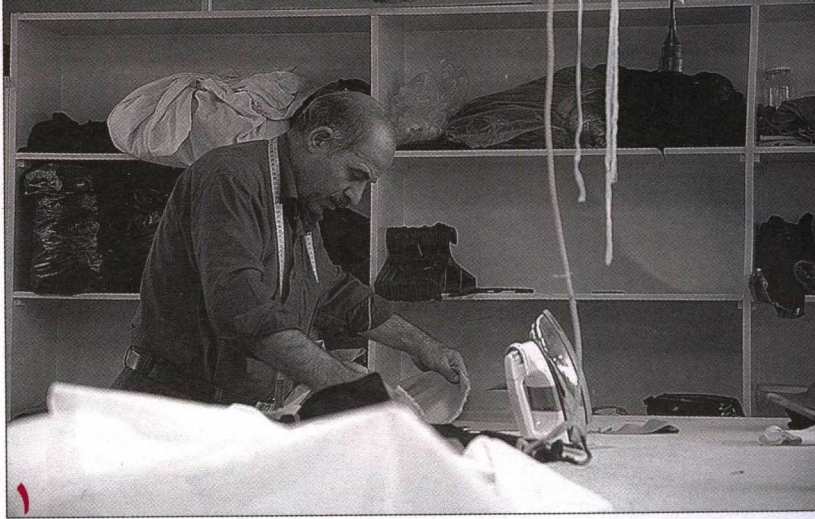
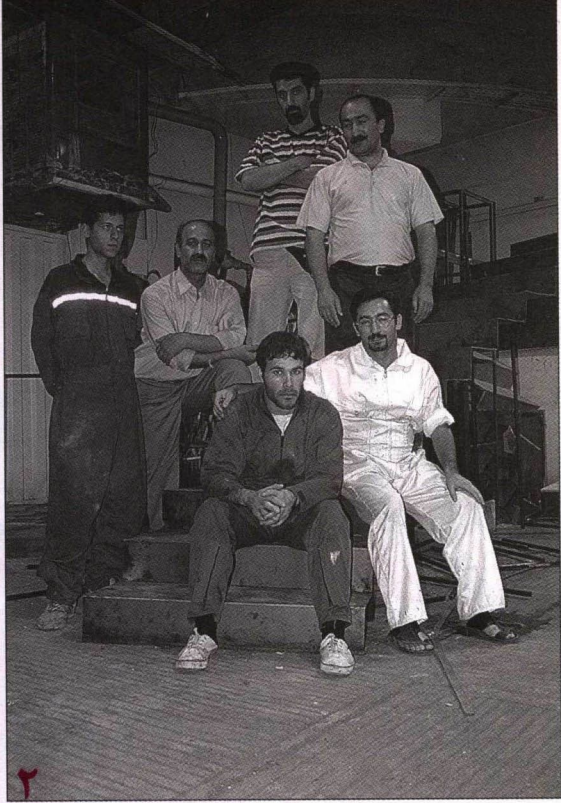
پس از اجرای چندین نمایش در سالن‌های نمایشی تهران، از شبکه دوم سیما جمهوری اسلامی پیشنهاد ساخت یک مجموعه پانصد قسمتی به ما شد که قاعدتا بچه‌هایی که آن دوره را یادشان هست، با آن آشنا هستند. «هادی و هدی». این مجموعه را با تلاش و همکاری آزاده پور

مختار، فریبا جدیکار، عزیز حاتمی، دنیا فتی زاده، مسعود صادقیان و... در پانصد قسمت ساختیم و آماده‌ی نمایش کردیم. در ابتدا، اجرای آن قدری دشوار بود چرا که وقتی بیننده‌ی تلویزیون مجموعه را تماشا می‌کرد بازی دهنده‌گان عروسک را می‌دید. کم کم با آموزش شیوه‌ی «بن راکو» این مساله هم برطرف شد و شاید امروز مجموعه‌ی «هادی و هدی» یکی از ماندگارترین برنامه‌های تلویزیون پس از انقلاب باشد.

پس از پایان یافتن این مجموعه تصمیم گرفتم نمایشی به نام «کرم شب‌تاب» را آماده‌ی اجرا کنم که متأسفانه به دلایلی امکانش فراهم



همکاران جشنواره خسته نباشید



نشریه روزانه بار هجمن
جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی
تهران - مبارک

- ۱- کارگاه خیاطی تالار وحدت
- ۲- کارگاه دکور تئاتر شهر
- ۳- دبیرخانه جشنواره
- ۴- واحد تلویزیونی
- ۵- روابط عمومی
- ۶- مهندس زعیمی، مدیر فنی مرکز هنرهای
- نمایشی
- ۷- محمد حیدری، مدیر دبیرخانه دائمی جشنوارهها
- ۸- کارگاه دکور تالار وحدت
- ۹- جواد افشین نژاد، مدیر اجرایی تئاتر شهر و ... تمام همکارانی که از چشم دوربین بازمانند.

احساسات همه مردم دنیا شبیه هم است

گفت و گو با
یان ژکوتاک



نمایش «مزرعه حیوانات» کاری از گروه تئاتر Teatr Biuro Podrazy به نویسندگی و کارگردانی یان ژکوتاک از کشور لهستان دو روز پایانی یازدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی تهران - مبارک در محوطه باز (پارکینگ) تالار وحدت به اجرا در آمده. گفت‌وگوی کوتاه ما را با این کارگردان جوان در ادامه می‌خوانید.

شما پس از دو سال با اجرای نمایش «مزرعه حیوانات» به تهران آمدید. به شما خوش آمد می‌گوییم.

اینکه پس از اجرای «کارمن فونبر» دوباره به ایران سفر می‌کنم، خیلی خوشحالم. ما با یک نمایش متفاوت (مزرعه حیوانات) در این جشنواره شرکت می‌کنیم. این نمایش، یک نمایش پر قدرت، شاد، آرام و در عین حال تراژیک است. من فکر می‌کنم، این اجرا نمایشی است برای همه سلیقه‌ها، هم بزرگسالان و هم کودکان.

ما پس از اجرای این نمایش در کشورهای مختلف با واکنش مثبت تماشاگران مواجه شدیم. این موضوع را در عکس‌العمل تماشاگران ایرانی شب اول اجرایمان (در تهران) نیز می‌دیدیم.

امیدوارم آن‌ها توانسته باشند با نمایش ارتباط برقرار کنند. به اعتقاد من چون این نمایش بیشتر تصویری است، قابل درک خواهد بود.

چرا نمایش‌تان را در فضای باز اجرا می‌کنید؟

ما نمایش‌مان را در فضای باز اجرا می‌کنیم تا مردم هر طور که می‌خواهند رفتار کنند، کاملاً طبیعی، آن‌ها می‌توانند، سیگار بکشند، با هم حرف بزنند، قهقهه بزنند و یا حتی چیزی بخوردند.

در واقع مردم یک نمایش را با همان خصوصیات اجرا در فضای بسته می‌بینند، اما قدری فضا برای‌شان جالب‌تر خواهد بود. در کنار این‌ها ما می‌توانیم از ابزار بزرگ، آتش و ماشین استفاده کنیم که در فضای بسته قطعاً داشتن‌شان دشوار خواهد بود.

عکس‌العمل مردمی که با فرهنگ‌های مختلف با نمایش شما برخورد می‌کنند چگونه است؟

عکس‌العمل مردم هر کشوری با هم متفاوت است. به‌طور مثال در آمریکای جنوبی مردم کاملاً همراه با نمایش بودند، به‌طوری‌که مثال در صحنه‌ای که خوک‌های بزرگ، خوک‌های کوچک را می‌کشند، با اعتراض شدید مردم مواجه شدیم. به‌ر تقدیر احساسات و عواطف مردم همه‌جهان شبیه به هم است و آنها عکس‌العمل‌های یکسانی را از خود بروز دادند.

سایه‌های مر موز

گفت و گو با شون کنان
نویسنده و کارگردان نمایش سایه

نمایش «سایه» نوشته و کاری از شون کنان، استرالیایی، از چهارشنبه ۱۵ شهریور ماه تا پایان جشنواره در تالار نوی مجموعه تئاتر شهر روی صحنه رفت. گفت‌وگوی کوتاه ما را با کارگردان اثر بخوانید.

چرا نمایش‌تان را به صورت تک نفره اجرا می‌کنید؟

در قصه این نمایش سعی داشتم موضوع آفرینش انسان را مطرح کنم و به این داستان اشاره داشتم که خدا ابتدا مرد را آفرید و چون او خیلی قدرتمند بود، او را به دو نیم یعنی زن و مرد تقسیم کرد. این دو نفر در دنیا براساس قصه عشق به دنبال هم می‌گردند تا هم دیگر را پیدا

کنند و به هم وصل شوند. این قصه در واقع در سخنان افلاطون هم وجود دارد.

چرا شیوهی سایه‌ای را برای اجرا انتخاب کرده‌اید؟

نمایش سایه قابلیت‌های بسیار زیادی دارد. چون دست انسان بخش بسیاری از مغز را به خود اختصاص داده است. ما با دست نوازندگی می‌کنیم و واکنش مغز به حرکت دست انسان می‌تواند یک هزارم ثانیه باشد. این امر نشان از توانایی بالای دست‌ها برای انجام حرکات مختلف دارد. اغلب نمایشگرهای عروسکی از دست‌های خود زیاد استفاده می‌کنند که به مرور زمان آسیب‌هایی به آنها می‌رسد.

فعالیت نمایشگران عروسکی استرالیا چگونه است؟

جامعه عروسکی استرالیا، جامعه کوچکی است ولی نمایشگرهای معروفی در آنجا وجود دارند از جمله آنها برد شاو است که شهرت جهانی دارد و استاد تئاتر عروسکی سایه است. نورمن هیدرینگ (Norman Heatherington) نیز از دیگر هنرمندان استرالیا است. او شخصیت عروسکی معروفی به نام آقای اسکویگل (M.R. Squiggle) دارد که به دماغش مدادی متصل است و با آن نقاشی می‌کشد.



شماره روزانه یازدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی تهران - مبارک



مرکز تئاتر عروسکی در آمریکا بیش از سی سال است که تمامی قصه‌ها و داستان‌های ماندگار و کهن را در قالب اپراهای عروسکی و اجراهای متفاوت به دوستداران تئاتر عروسکی معرفی می‌کند. آن قدر که تا امروز بیش از ۹۰۰ شخصیت عروسکی ماندگار از سوی طراحان این گروه ساخته شده‌است و حالا بسیاری از آنها در موزه هنرهای کودکان بوستون نگهداری می‌شود. مرکز تئاتر عروسکی با وجود ظرفیت کمی که برای هر اجرا دارد (تقریباً ۱۲۰ صندلی)، در تمام طول هفته برنامه‌های متفاوتی را به روی صحنه می‌برد.

این مرکز بیش از نیم قرن است که در آمریکا با بزرگان عرصه تئاتر عروسکی همکاری می‌کند و تا امروز بسیاری از آثار شاخص عروسکی در این سالن به روی صحنه رفته‌اند، یکی از دلایل عمده شهرت این مرکز حضور هنرمند چیره‌دست، پل وینسنت دیویس Paul Vincent Davis در این مرکز است. او حالا به‌عنوان یکی از استادان به‌نام در حوزه تئاتر عروسکی در دانشگاه‌های معتبر آمریکا تدریس می‌کند. آن قدر که مدتی است در عروسک‌گردانی متدی به نام «شیوه پل وینسنت دیویس» وجود دارد. او در اغلب برنامه‌هایی که به روی صحنه می‌برد از افسانه‌های کهن و داستان‌های عامیانه به‌عنوان متن استفاده می‌کند و شخصیت‌های عروسکی‌اش درست شبیه همان چیزی است که در تصور ما از افسانه‌ها در ذهن مان نقش بسته است.

وینسنت دیویس حالا با عروسک‌های فراوانی که دور و اطرافش را پر کرده‌اند پنجاهمین سال زندگی‌اش را سپری می‌کند. دیویس از سبک و شیوه خاصی در حرکت عروسک‌های خیمه شبازی و نخی استفاده می‌کند. حرکت‌های بی‌درپی و در عین حال زیاد از ویژگی‌های اصلی شیوه عروسک‌گردانی اوست. وینسنت به کمک اعضای آکادمی تئاتر عروسکی تا امروز در سالن‌های بسیاری از جمله مولن‌رژ، شکسپیر لندن و فستیوال تئاتر کانادا به اجرای برنامه پرداخته است.

در آگوست امسال درست سی و یک سال از تأسیس مرکز تئاتر عروسکی گذشت و در تک‌تک این سال‌ها وینسنت عضو جدانشدنی این سالن کوچک بود. آن قدر که باید گفت او از عمده دلایل رشد و شهرت این سالن کوچک است. از مهم‌ترین برنامه‌های وینسنت دیویس باید به اجراهای ماندگاری همچون برنامه انستیتو هنر دیترویت، فستیوال بین‌المللی عروسک‌های خیمه شبازی در نیویورک و اجرا در مرکز تئاتر آتلانتا اشاره کرد که او با عروسک‌های نخی‌اش اعضای یونینما و دست‌اندرکاران این عرصه را متوجه جهشی بزرگ در این عرصه کرد. او حتی از پانچ وجودی هم به گونه‌ای دیگر در نمایش‌هایش بهره می‌گیرد.

سال‌هاست که مرکز تئاتر عروسکی، نمایش «پرنده بزرگ» او را که نخستین بار در سال ۱۹۹۲ در نیویورک و در یک فستیوال عظیم به روی صحنه رفت تکرار می‌کند. او می‌گوید: «من از آغاز کودکی ام شیفته نخ‌هایی بودم که می‌توانستی در دست هایت بگیری و با یک عروسک حرکت‌های انسانی را پیش ببری و از همان روزگار برای همسایه‌ها، خانواده‌ها و دوستان مدرسه‌ام برنامه‌های عروسک‌گردانی راه می‌انداختم و تمام شعرها و قصه‌هایی را که از رادیو می‌شنیدم روی آن‌ها اجرا می‌کردم، اما حالا بازی نوشتن برای عروسک‌هاست که مرا به نهایت لذت می‌رساند. پل وینسنت دیویس تا امروز بیش از ۴ بار از سوی UNIMA نشان عالی لیاقت را دریافت کرده است. او در این مرکز به‌عنوان هنرمندی که در عرصه هنر عروسکی گام‌هایی خارج از حد تصور برداشته است، لایق دریافت جایزه یک عمر فعالیت هنری شده است. در سال ۱۹۸۹ نیز او برنده ریاست افتخاری مرکز هنرمندان عروسک‌گردان آمریکایی شد. اغلب کودکان آمریکایی بعد از دیدن برنامه‌های او به عروسک‌هایی انگشتی علاقه‌مند می‌شوند و قصه‌هایی را که وینسنت در مرکز تئاتر عروسکی برایشان تعریف کرده است را مرور می‌کنند.

مرکز تئاتر عروسکی علاوه بر این کارگاه‌های آموزشی را از قبیل ساخت عروسک و قصه‌گویی برای کودکان و علاقه‌مندان ترتیب داده است که طی آن روش عروسک‌گردانی وینسنت تدریس می‌شود.

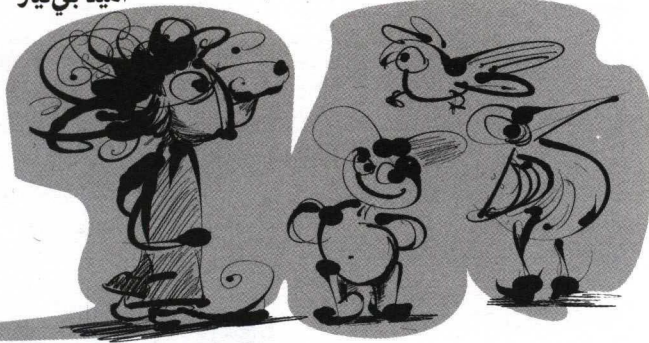
وینسنت دیویس سه دهه تلاش برای تئاتر عروسکی

امیلی امرایی



نگاهی به عنوان نمایش‌های جشنواره یازدهم در جست‌وجوی زبانی اسرار آمیز

امید بی‌نیاز



شاید این امر در ذات خود از دو ذهنیت خاص خبر می‌دهد. ذهنیتی که نسبت به‌عنوان و در کل زبان نمایش عروسکی دیدگاهی فرازبانی و فرا واقعی دارد و همواره این زبان را با نمادها، اشیاء و سازه‌های افسانه‌ای و اسطوره‌ای، ثروتمند و غنی می‌کند. دوم این که زبان را در شعر می‌بیند و همواره ذهنیت مدرن شاعران امروز را برای عنوان و هویت اصلی نمایش خود انتخاب می‌کند و شعر هم در واقع فرزندان است. آثار دیگر ایرانی از جمله گلی‌گلی جون، گاو، لباس فروری، مثل‌های عروسکی، با انگیزه اصلی پرداختن به مخاطب کودک به وجود آمده‌اند و از این رو به سازه‌های ژانریک زبان کودکان توجه دارند. اما عنوان نمایشی خارجی در کل از دو دیدگاه کلی شکل یافته است. نمایش‌هایی مانند مسخ و سازه کوچولو، بیش از هر چیزی به‌عنوان‌های عمومی و بین‌المللی توجه داشته‌اند که نه تنها تداعی گر نام‌های بزرگی از جمله فرانتس کافکا یا آنتوان دوست‌آگزوپری هستند، بلکه تحلیل‌ها، نمایش‌ها، کتاب‌ها و کلیه آثار مرتبط با این دو شاهکار عظیم را در ذهن زنده می‌کنند. آثاری مانند سایه، پانتارای، مالیخولیای گذر زمان هم هر کدام به شیوه‌ای از واقعیت‌گریزی و نشانه‌هایی از فراواقعیت و سوررئالیسم اشاره دارند که در یک گفتمان کلی با نمایش‌های ایرانی هم ردیف می‌شوند.

این گفتمان هم توجه به فرازبان است. یعنی زبانی که از مؤلفه‌های زبان معیار (زبان تکلم رسمی افراد و تیپ اجتماعی، رسانه‌های گروهی، کتاب و...) گریز می‌زند و جایگاهی فراتر را برای خود به‌وجود می‌آورد. منتهی نمایش‌های ایرانی از دو ماده‌المواد و اسطوره یا سازه‌های زبانی آرکائیک و شعر سود می‌برند. اما این دسته از نمایش‌های خارجی به علائم و نشانه‌های ذهنی و خیالی و رویایی زبان توجه داشته‌اند.

انگار همین دیروز بود که «زیگموند فروید» پدر علم روانکاوی، قلم و چند برگ کاغذ برداشت تا درباره شاهکار سترگ نویسنده روسی نقدی باعنوان قهرمان «آرکی تایپ» روانی بنویسد. گویی او قبل از خواندن رمان داستایوفسکی باعنوان آن یعنی «جنایت و مکافات» روبرو شده بود و این امر برای کسی که به نام‌گذاری کتاب و رساله‌های حساسیت خاصی داشت، تأمل برانگیز بود. بی شک او اگر چه در کلینیک ساده‌اش بیماران مدرن خود را با توجه به فضای پیرامونش، بررسی می‌کرد اما همواره برای پی‌بردن به واقعیت‌های انسانی، تمام ساختارهای فرهنگی، اسطوره‌های، جامعه‌شناسی و ... را می‌کاوید و کوچکترین الگوها و انگاره‌های فرهنگی و جامعه‌شناسی را به امور و پدیده‌ها ربط می‌داد. بنابراین او تفاوت زیادی بین عنوان رمان جنایت و مکافات خود داستایوفسکی و شخصیت اول رمان «راسکول نیکوف» قائل نشد و همچنان خطاب به رمان‌نویس نامدار روسی، مقاله‌اش را با تیتراژ، «آرکی تایپ روانی» به نگارش در آورد.

اهمیت عنوان یک اثر، به ساختار کلان فرهنگی و زبانی یک قوم، ملت، سرزمین و شاید هم یک قاره پهناور برمی‌گردد و همواره گفتمان عمومی و پیام کلی ناخودآگاه جمعی افراد را در خود نهفته است. از این رو عنوان نمایش‌های یازدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی تهران - مبارک، از این زاویه قابل تأمل و موشکافی است. این مهم زمانی جلوه‌گری می‌کند که عنوان نمایش‌های عروسکی ایرانی را در قیاس با خارجی‌ها، بررسی کنیم. اصولاً عنوان نمایش‌های عروسکی ایرانی از ماده‌المواد چند سازه فرهنگی و زبانی از جمله تاریخ، اسطوره، فولکلوریک و افسانه به وجود آمده‌اند که در قیاس با عنوان نمایش‌های خارجی از حفظ الگوها و انگاره‌های کهن فرهنگی و زبانی خبر می‌دهند. نمایش‌هایی چون سند باد بحری، پهلوان کچل، پهلوان پنبه، دیو و کچلک، وقتی نخودی غول می‌شود، اسب آبنوس، اپرای عروسکی رستم و سهراب باعنوان‌بندی محض این ساختار آرکائیک و باستان‌گرایی به‌وجود آمده‌اند و موتیف اصلی و انگیزه ساخت آنها با نگرشی افسانه‌ای و اسطوره‌ای گره خورده است. این امر از زوایای خاص قابل بررسی است. اول این که هنوز هم، بسیاری از نمادهای اساطیری و افسانه‌های قدیم از جمله دیو، غول، پهلوان، اسب و ... نه تنها از سازه‌های فرهنگی و زبانی حذف نشده‌اند بلکه به هویت‌نمادین خود ادامه وجودی می‌دهند و در قالب تندیس، مجسمه و در شکل مدرن، زنده و دراماتیک آن (شخصیت‌عروسکی) همچنان بخشی از افکار و ناخودآگاه جمعی را به قلمرو خود تبدیل کرده‌اند. دوم این که امر کیفیت زبان و در کل محتوای ژانر تئاتر عروسکی ایران را دارای بافتی حماسی و اسطوره‌ای کرده‌است. اما از زاویه دیگر این روح آرکائیک و باستان‌گرایانه زبان و محتوای ژانریک را به سمت بعدی از تأویل و هرمنوتیک هدایت می‌کند. یعنی زبان

دچار کیفیتی موزهای می‌شود و امکان پذیرفتن قابلیت‌های فلسفی، رمانتیک، و... از بین خواهد رفت. در میان نمایش‌های ایرانی چند نمایش هم از مؤلفه‌ها و سازه‌های زبانی باستان‌گرایانه گریز زده‌اند. نمایش‌هایی مانند «عاشق شدن به فصل سرما»، «خواب دیدم پاره‌های ماه چون پر می‌بارد»، «انتظار در کافه پارکر» و «ساز شب» نمونه‌هایی از این دست هستند. در این میان «انتظار در کافه پارکر» اقتباس از نمایشنامه آرتور میلر است و عنوان آن از مؤلفه‌های زبان ترجمه پیروی می‌کند. اما عنوان نمایش‌هایی مانند «عاشق شدن به فصل سرما»، «خواب دیدم پاره‌های ماه چون پر می‌بارد» و «ساز شب»، بیش از هر ساختار و الگوی زبانی از تحولات شعر آوانگارد امروز ایرانی متأثر هستند. به‌عنوان مثال شعر مشهور «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» از فرخزاد یا «عاشق شدن به وقت دی‌ماه، مردن به وقت شهربور» از سیدعلی صالحی نمونه‌های از عناوین کتاب‌های شعری معاصر هستند که مانند الگو و یک مدلینگ زبانی فراروی عنوان نمایش‌های مذکور قرار می‌گیرند یا به‌عنوان مثال سهراب سپهری در جایی می‌گوید: «جایی که پرمه به انگشت تو هشدار دهد» که بی شک به لحاظ ترکیب سازی و استعاره‌های زبانی حال و هوای نمایش «خواب دیدم پاره‌های ماه، چون پر می‌بارد» را دارد.



نشریه روزانه یازدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران - مبارک

دو نگاه به نمایش عروسکی «مالیخولیای گذر زمان» نوشته و کار خوزه لوئیس ناوارو از اسپانیا

کیومرث مرادی

راز یک اتاق سیاه به نام نمایش

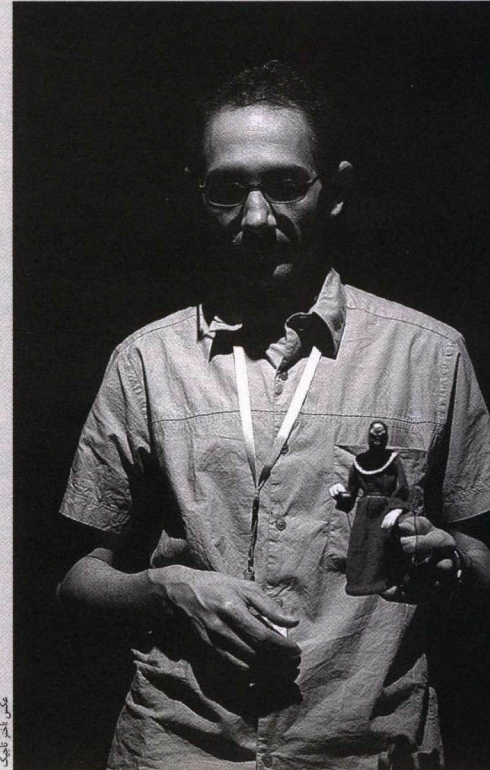
یک - «آیین» اول

در راهروهای تئاتر شهر مردی ایستاده با جامه‌های سیاه و نگاهی نافذ و عمیق و آرامشی که از سکوت و نگاهش به هر رهگذری که از آن جا می‌گذرد سرایت می‌کند. این فضا رهگذر را کنجکاو می‌کند، کنجکاو به دانستن، دیدن و کشف کردن. اینجاست که تو با آیینی نمایشی روبرو می‌شوی، آیینی از پیش ساخته شده که خود به خود تو را آرام با فضای ساخته شده‌اش می‌برد و من به یاد آن انتظار در دوران نوجوانی برای کشف کردن آنچه در اتاق سیاه می‌گذرد، افتادم.

پس آغاز گاه اول، «آیین دیدن و دیده شدن» بود.

دوم - «جادوی» تخیل

مرد آرام تو را به درون می‌خواند و تو وارد سالن کوچک اجرای نمایش می‌شوی، همه چیز از قبل طراحی و آماده شده برای اینکه همچنان کنجکاو باشی. «تعلیق» بزرگ نمایش از بیرون سالن آغاز شد و حالا تو در جعبه جادویی سیاه نمایش بیش از پیش تشنه دانستن، دیدن و کشف کردن هستی. آرام هدفونی به تو داده می‌شود و مرد از آنجا می‌رود، مکث، حالا تو تنهایی با عروسک و اشیاء بی‌جان که خیره به تو نگاه می‌کنند. در ذهنت آرام آرام چیزهایی جرقه می‌زنند، نگار می‌خواهی خود چیزهایی را حدس بزنی، موسیقی می‌آید، نور می‌رود و ناگهان آن احساس زیبا با شنیدن اولین نواها آغاز می‌شود، تو سعی می‌کنی مقاومت کنی، شاید می‌ترسی، شاید احساس عدم امنیت می‌کنی و از خود می‌پرسی: حالا چه می‌شود؟ اما در همین لحظه است که نور می‌آید و در همین لحظه است که آن احساس ناگهان جاری می‌شود، در مقابل تو همه چیز جان می‌گیرد و حرکت آغاز می‌شود. آیا تو بی‌کار و تنها آنجا



نشسته‌ای؟، نه حرکت در تو نیز آغاز شده، در ذهن تو، این تخیل است که با آن تصویر و موسیقی در آمیخته و ناگهان تو خود جزئی از اجرا می‌شوی. اتفاق، آن اتفاق بزرگ است جادوی تخیل ذهن تو، در جعبه سیاه نمایش.

سوم - «بینش» نمایشی

حالا یک قدم فراتر بگذارید. فکر می‌کنم امروزه درک ما نسبت به «بینش» (آن هم بینش اجرایی یک نمایش) شدیداً در حال تغییر است. این حقیقت کتمان‌ناپذیر است که استعداد انسانی نسبت به «بینش» ساکن نیست، بلکه یک تعریف ثانیه به ثانیه از چیزهایی است که می‌بیند. به معماهای بصری که نمی‌دانید آیا چیزی واژگون است، نگاه کنید، نشانه‌ها و مرجع‌های سیاه و سفیدی می‌شناسید که به نظر می‌آید در حال پرسش از درون به بیرون هستند. واقعا می‌بینید که مغز چگونه با چیزی کنار می‌آید که می‌خواهد، دوباره آن را درک کند، زمانی که می‌خواهد تشخیص دهد که آیا این نشانه‌ها، این تصاویر واژگون هستند یا خیر؟

اما انسان در رویارویی با این تصاویر جادویی از بطن یک احساس به همراه اندیشه‌هایی ژرف بیرون آمده، مرتباً در تلاش است تا از این نشانه‌ها، یک جهان منسجم بازآفرینی کند.

چهارم - جایی دیگر بودن

هر وقت اجرایی را می‌بینم یا اجرایی را خود به اتمام می‌رسانم احساسی در من شکل می‌گیرد، احساسی از دوباره‌خواستن یا شاید احساس دوباره‌آفریدن اثری که در من یا تماشاگر با دیدن یا دیده شدن احساسی از این دست را آغاز کند. انگیزشی تو برای کنار گذاشتن همه چیز، تا با رویایی پاک‌تر از مشغولیات عادی‌ام جادو شده و «جایی دیگر بودن» را تجربه کنم و شما در رویارویی با این نمایش بسیار کوتاه چنین احساسی را در خود حس می‌کنید. جادوی «جایی دیگر بودن» در شما آغاز می‌شود و از خود می‌پرسید، بارها و بارها، در نمایش‌های و روزمره‌مان که به‌نظر دیگر چیزی از مشغولیات عادی، عادی ما شده است؛ جادوی شما برای علاقه‌مندان تان کجاست؟ بله می‌توان حرف زد، نه به‌اندازه همه زمان‌های جهان بلکه به کوتاهی چند تصویر، چند نفسی عمیق...

پنجم - شروعی دوباره

«انسان چیزی بیش از درهای گذرا در محدوده انسانیت نیست که همواره در حال کشمکش، جست‌وجو، صعود و سقوطی بی‌پایان است و در جست‌وجوی موقعیتی است تا هنوز هم در هر لحظه‌ای بتواند شروع جدیدی را پیدا کند. شروعی که از سادگی ناب و آزادی نامحدود ذهن نوآموز برخوردار است.» (پیتر بورک)

وقتی از زمان حرف می‌زنیم؛ از مرگ حرف می‌زنیم!

مهیار رشیدیان

و عروسک‌ها، قصه نمایش را با آن می‌سازند، در هر فرهنگ و خواستگاهی مفهوم خاص خود را القا می‌کنند. اما در نهایت برای هر مخاطبی در هر کجای جهان تنها یک حس را باقی می‌گذارد. حسی که در عمق وجود تو می‌نشیند و تا مدت‌ها همراهت حرکت می‌کند. و هر بار که به مرگ یا به زمان فکر می‌کنی، پیرمردی سفیدرو تو را به خود می‌خواند و عقربه‌های ساعت، آخرین حرکت؛ کیش و مات را نشان‌ات می‌دهد، «مالیخولیای گذر زمان» ذهن انسان امروز را نمایش می‌دهد. انسانی که با فوت حرکت عقربه‌های گذشته، انتظار مرگ آینده را می‌کشد.

نشسته و پیرزنی که بر صفحه عقربه‌های ساعت پیدا می‌شود و در حال حرکت مهره شطرنج پیش رو، مفهومی از کیش یا مات را القا می‌کند. ما بعد از آخرین حرکت زن شطرنج‌باز، باز هم همان پیرمردی را می‌بینیم که این بار به جای نماد آرامش بعد از مرگ، نقش خود میت را ایفا می‌کند. مردی که به گمان نویسنده و کارگردان، جنگجویی است که هر کسی را مغلوب کرده به جز مرگ را، مرگی که حالا انتظارش را می‌کشد و با آخرین حرکت مهره‌های شطرنج زن در دایره عقربه‌های ساعت، شکست می‌خورد و در آخرین صحنه با ما که روبرویش نشسته‌ایم، خداحافظی می‌کند.

حال گفتنی است که نشانه‌هایی که کارگردان

مباحث و مفاهیمی مثل مرگ، زمان، عشق و زندگی، از جمله مسائلی هستند که ذهن هر انسانی در هر کجای جهان را به خود می‌خوانند. شاید «مالیخولیای گذر زمان» نیز به نوعی در راستای بیان و یا کشف نشانه‌های اینگونه مفاهیم حرکت می‌کند.

نمایش «مالیخولیای گذر زمان»، پیش از شروع، مخاطب را در شرایطی قرار می‌دهد که به نمایش فکر کند، درباره‌اش با نفر پیشین یا پسین خود حرف بزند و چشم کنجکاو و پرسشگرش را به شخصی بدوزد که از سالن نمایش خارج شده است.

در کل، طراحی صحنه‌ی «مالیخولیا...» یک ساعت قدیمی است که پیرمرد به جای پاندول



نشره روزانه یازدهمین
جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی
تهران - میارک



سبک ویژه و بدیع گروه دست اندر کار مزرعه حیوانات سبب شده است که این گروه به موفقیت‌ها و جوایز بسیاری دست پیدا کند. این اثر به شیوه‌ای نوین ، فساد و استبداد را در بعدی جهانی نقد می‌کند. آن قدر که می‌توان مزرعه حیوانات را نمایشی ضد استبدادی دانست.

مزرعه حیوانات درست به سبک و سیاق داستان معروف جرج اورول پیش می‌رود. آن قدر که می‌توان آن را برداشتی آزاد از داستان جرج اورول دانست. در مضمون اصلی این نمایش درست مانند داستان اورول تصویری از جهان مضطرب ارائه می‌شود. نمایش مدرنی با استفاده از بچه‌ها که مدلی جهانی از حکومت‌های استبدادی را ارائه می‌کند، مدلی که در هر جامعه‌ای می‌تواند اتفاق بیفتد.

مکان نمایش یک مدرسه است، مدرسه‌ای که بچه‌ها را در آن پرورش می‌دهند که آدم را ستایش کنند، خوک‌ها در ظاهر امر و در ابتدای داستان موجودات مهربان و بی‌ضرری هستند، اما درست در لحظه‌ای که زمان شروع کلاس‌ها فرا می‌رسد و آنها باید از ارشدهای‌شان آموزش ببینند ، پلید می‌شوند.

درست در همین لحظه است که بچه‌ها متوجه می‌شوند ارباب‌شان به هیچ‌وجه مثل آنها نیست و این که سرنوشت ناگوار و محتومی در انتظار آن‌هاست.

مزرعه حیوانات را می‌توان نمونه‌ای از یک کارتون طنزآمیز و گروتسک‌وار دانست. نمایشی که بیش از هر چیز حاکی از این است که چطور صاحبان قدرت می‌توانند زیر دستان‌شان را استعمار کنند و حتی به بازی بگیرند. از سوی دیگر باید گفت گروه تئاتر بیورو پدروزی ، شورشیان آسیب‌پذیری را نشان می‌دهد که پیش رویشان مشتی آرمان تباه شده دارند، آرمان‌های آزادی خواهانه‌ای که درهم می‌شکند. داستان در فضایی تراژدی - کمدی غوطه‌ور است و همین مساله است که به جذابیت ماجرا می‌افزاید.

گروه تئاتر بیورو پدروزی در حال حاضر یکی از فعال‌ترین گروه‌های تئاتر لهستان محسوب می‌شود. این گروه تا امروز با اجراهای متفاوتی که در فضاهای آزاد اجرا می‌کند در نمایش‌های خیابانی سبک و سیاق متفاوتی را ایجاد کرده است. در سال ۲۰۰۵ این گروه با اجرای تئاتری از کارمن فونبر ، تحسین همگان را برانگیخت. این اثر پیش از اجرا در تهران در ۴۰ کشور دنیا اجرا شده بود و در سال ۱۹۹۶ جایزه Hamada را در فستیوال ادینبورو دریافت کرد.

يك سبك ویژه

درباره گروه
«تیتربورو پدروزی»



نشریه روزانه پارسیمن
جشنواره بین‌المللی نمایش، تئاتر، عروسکی
تهران، چهارم تیرماه



اجرای نمایش عروسکی سندباد بحری، با نویسندگی مریم تیموری و طراحی و کارگردانی وحید شاکری و فاطمه سلمانی، در یازدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی مبارک، نظرات متفاوتی را برانگیخت، برخی بر این عقیده بودند که ضرورت اجرای چنین نمایشی در جشنواره عروسکی چیست؟ و معدودی نیز معتقد بودند که درونمایه اثر، برگرفته از افسانه‌های کهن است که مبتنی بر فضیلت‌های انسانی است، بنابراین وجود چنین نمایشی را که صفات مثبت و منفی آدم‌ها را تجلی می‌دهد، جایز می‌شمرند.

معمولاً اجرای هر نمایشی نظرات متفاوتی را بر می‌انگیزاند و آنچه که در سطوح فوق مطرح گردید، نظراتی بود که مخاطبان نمایش در گفت‌وگویی کوتاه با نگارنده بیان داشتند و حتی یکی از کودکان حاضر در سالن نمایش با صدای بلند به این نکته اشاره کرد که (مامان، سندبادی که من توی فیلم‌ها دیدم، این نبود)

مریم تیموری، نویسنده نمایش «سندباد بحری» با اتکا به شخصیت آشنای سندباد با اذهان کودکان و بزرگسالان، چنین نمایشی را خلق کرده و با بهره‌گیری از افسانه‌های ایرانی و خارجی، به متن قابل تاملی رسیده است.

بی‌شک هر آنچه که در مورد شخصیت پیچیده انسان‌ها، چه در قالب رمان و نمایش و چه در قالب فیلمنامه، مطرح شود، مورد توجه خواهد بود، به‌ویژه در آن رمان و یا نمایشنامه و فیلمنامه صفات مثبت و منفی انسان‌ها، بازگو شود. هر انسانی در کره خاکی دوست دارد برای وصال به کمال حق و مصداق الهی، طریقتی را برگزیند و خویشتن خویش را از مادیت برهاند تا در مسیر راه کمال قرار گیرد، همه انسان‌ها بر این باورند که برای طی طریق، باید شریعتی را برگزیند و با معرفتی باطنی، به حقیقتی اصیل و ناب وصل شد. متن نمایش «سندباد بحری» دقیقاً در این راستا کام بر می‌دارد و انسان‌هایی را در قالب عروسک نمودار می‌سازد که هر یک در دام‌های مهیب دنیایی گرفتارند، اما به راه‌هایی دام‌ها، معرفتی ندارند، مردمی که دچار خبطی و گرسنگی و طاعون شده‌اند و به جای چاره‌جویی و مبارزه با این پدیده‌های شوم، اختیار خود را به دست مرد غریبه‌ای می‌سپارند که هیچ معرفتی در

عزت و شوکت تئاتر عروسکی در نمایش سندباد بحری

کامل نروروی

مورد مرد ندارند و به‌نوعی می‌توان آن مرد غریبه را، شیطان درون قلمداد کرد که با وعده و وعیدهای دروغین بر مبنای نیازهای مادی بشر و نفسانیت، انسان‌ها را از راه حقیقی باز می‌دارد و آنها را در مسیر پرستگلاخ و ناهموار هدایت می‌کند.

نویسنده نمایش «سندباد بحری» در واگویی ردائل و فضائل انسان‌ها، بسیار شیوا و رسا، قلمفرسایی می‌کند و خطرات احتمالی انسان‌ها را در طی طریق دنیایی، در قالب داستان‌های افسانه‌های باز می‌گوید و نتیجه‌گیری منطقی و درستی ارائه می‌دهد، اما کارگردان‌های این اثر نمایشی (وحید شاکری و فاطمه سلمانی) در فزاینده‌ای از کار به علت توسل به شیوه اجرایی طنزگونه، از عصاره متن، فاصله می‌گیرند، شاید به کارگیری طنز کلامی و پرداخت طنز آمیز اجرایی، باز آفرینی شادای و نشاط در فضای کار باشد که با سلاطین تماشاگران کودک و نوجوان به هماهنگی مطلوبی برسد و اگر نگرش کارگردانان تنها به این منظور باشد، می‌تواند مطلوب در نظر آید، ولی باید این موضوع را نیز در نظر داشت که درونمایه اثر، به‌علت پردازش طنزگونه اجرایی، با نقصان شدیدی مواجه می‌شود و نتیجه‌های معکوس ارائه می‌دهد.

بی‌شک تلاش گروه کارگردانی، در انعکاس پژواک‌گونه چنین متنی قابل تقدیر و ستایش است و هدایت بیش از ۲۰ عروسک گردان در صحنه سالن اصلی تئاتر شهر، رنج و مرارت مضاعفی را می‌طلبد، اما واقعیت این است که اجرای نمایشی عروسکی با دکوری چنین عظیم، کمتر در صحنه‌های تئاتر عروسکی ایران رخ داده و می‌توان این عمل را، نوعی عزت به تئاتر عروسکی قلمداد کرد که متولیان برگزاری یازدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی، به این باور رسیده‌اند و شوکت و عظمت و تأثیرگذاری آن را در اذهان عمومی در یافته‌اند.

طراحی نور صحنه‌ها به نوعی است که تماشاگران قبل از آنکه به حرکات عروسک‌های میله‌ای بنگرند، متوجه چهره‌ها و اندام‌های فیزیکی عروسک‌گردانان می‌شوند و این امر لطمه زیادی به شیوه اجرایی وارد می‌سازد و زحمات و مشقات عروسک‌گردانان را در حاشیه قرار می‌دهد و انفکاک ذهنی تماشاگران در مدت اجرا، نتیجه مطلوب و مناسبی را نصیب آنان نمی‌سازد. در این زمینه باید ترفندی دیگر به کارگرفته شود که اندام‌های فیزیکی عروسک‌گردانان در حاشیه قرار گیرد و حرکات عروسک‌های میله‌ای در خشان‌تر تجلی یابند.

طراحی صحنه فرشاد منظوفی‌نیا و بهمنز مستعان‌فر ستودنی است که با طراحی دکور نمایش و ساخت کشتی و صخره‌ها و جزیره، فضای قابل باوری را در صحنه تئاتر به‌وجود می‌آورند.

عروسک‌های میله‌ای ساخته شده، با توجه به خصوصیات ظاهری و باطنی و صفات مثبت و منفی، بسیار مناسب جلوه‌گر می‌شوند و چهره عروسک‌ها، گویای واقعی درون و برون هاست و اگر چنانچه، رویت عروسک‌گردانان کاهش می‌یافت، به یقین این درخشندگی و جلوه‌گری عروسک‌ها افزون‌تر نمود می‌یافت و کارگردان‌ها به نتیجه دلخواه و مطلوب خود، می‌رسیدند.

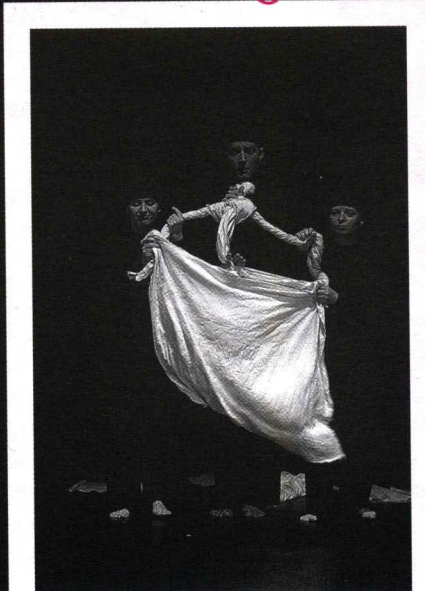
طراحان لباس (ظاهره‌کیان و الهام افراز) هنرمندانه و استادانه در این زمینه گام بر می‌دارند و استعداد و نبوغ خویش را در این امر خطیر به اثبات می‌رسانند.

موسیقی، سینا آذین - الناز افشاریان و آوای سوده شرحی بر بار غنایی کار می‌افزاید و حال و هوای دیگری در اجرا پدید می‌آورد.



مسخ پارچه‌ها

نگاهی به نمایش مسخ کاری از کشور لهستان



آزاده سهرابی

دیگر، خواه سازی، خواه آدمی. نمی‌دانم واقعا می‌توان به چنین تعریفی از این نمایش رسید یا اینکه این می‌تواند تاویل من نویسنده باشد. اما از عنوان نمایش و جست‌وجوی آن در اجرا که بگذریم به اصل اتفاق نمایشی «مسخ» می‌رسیم که گرچه تکرار مکررات است اما گفتنش شاید تأکیدی باشد بر آنچه اصل نمایش عروسکی است: خلاقیت. باز هم جمله تکراری هر شیء، عروسکی است. باز هم روبه روشن شدن بانمونه‌ای که این اصل را خوب می‌شناسد و گروهی که با نگاه به پیرامونشان و کشف عروسک‌های وجودی هر شیء آنها را از دل ساده‌ترین متریبال پیرامونمان شکل می‌دهند و پس از آن از آنها بازی می‌گیرند. این شکل ساده با چند پیچش ساده در یک تکه پارچه می‌تواند ساخته شود.



در «مسخ» این شکل با کمک بازی‌دهنده‌ها و موسیقی تبدیل به گوش‌های یک فیل و خرطوم بلند او می‌شود و یک فیل را روی صحنه بازسازی می‌کند و بلافاصله با تغییر در موسیقی و حرکات بازی‌دهنده‌ها تبدیل به سنجاقکی می‌شود. به همین سادگی.

پارچه‌ها به همین ترتیب سازهای یک گروه ارکستر می‌شوند، سامورایی می‌شوند که شمشیر می‌زنند، گاو می‌شوند و صحنه گاو بازی و... اما... به هر حال ممکن است در هر اجرای موفق یک امایی وجود داشته باشد که البته امای «مسخ» ربطی به کار ندارد بلکه به صحنه‌ای که برای اجرای آن در نظر گرفته شده ربط پیدا می‌کند. به نظر می‌رسد «مسخ» اثری است که مناسب اجرا در سالی رسمی مانند سالن اصلی نباشد. هر چند تماشاگر لذت کافی از همراهی ۴۵ دقیقه‌ای با نمایش می‌برد.

هرچقدر نمایش‌های عروسکی ایرانی بیشتر به سمت کلام پیش می‌روند، نمایش عروسکی در جهان با حذف کلام و جایگزینی موسیقی و خلاقیت سعی می‌کند کمی در ارتباط برقرار کردن با مخاطب به خودش سخت بگیرد. تقریباً تمامی نمایش‌های بخش بین‌المللی جشنواره عروسکی امسال با حذف کلام و تکیه بر تصویرسازی، خلاقیت، قدرت نمایشگران، موسیقی و البته جایگزین کردن نوعی فلسفه به جای قصه‌گویی نوع جدیدی از نمایش عروسکی را که نمایشگران عروسکی در دنیا دارند آن را به بلوغ می‌رسانند، به مخاطب ایرانی معرفی می‌کنند. «مسخ» هم یکی از همین نمونه‌هاست. اثری که در آن از عروسک خبری نیست. تکه پارچه‌های سفید روی صحنه ریخته و کم‌کم چهار عروسک گردان با پیچش در آن‌ها، نقشی از آنها می‌گیرند.

در بر خورد اول با نام نمایش، ذهن ناخودآگاه به سمت «مسخ» کافکا می‌رود اما جز در اسم و مفهوم کلمه «مسخ» شباهتی وجود ندارد. «مد» را دیده‌اید. مد را هم می‌توان یک جور «مسخ» به حساب آورد و اگر «مسخ» را همین طور در یک جامعه دنبال کنیم به نتایج جالب و گاه تلخی می‌رسیم. حکایت و فلسفه‌ی پس نمایش عروسکی «مسخ» را هم می‌توان از این منظر دید - هرچند این نمایش به راحتی چنین فلسفه‌ای را به نمایش نمی‌گذارد و به آنچه بیشتر می‌اندیشد اجرایی جذاب است تا تأکید بر فلسفه‌ای - در این نمایش در بین چهار بازیگردان - عروسک‌ساز، همواره یک بر هم زنده نظم موجود، وجود دارد تا اگر پارچه‌ها تبدیل به پرنده شدند و با موسیقی هم راه شدند و به رقص درآمدند، ریتم را به هم بزنند و یکدفعه به طاووسی تبدیل شود و یا گاوای که به پیروی از آن باقی پارچه‌ها هم تبدیل به گاو شوند و موقعیت، موسیقی و شرایط و بازی تغییر کند. این مسخ پارچه‌ها همین طور ادامه می‌یابد تا به انتها که دوباره پرنده‌ها از لابه‌لای پارچه‌ها پدیدار می‌شوند و این بازگشت به شکل اولیه تأکیدی است بر همان «مسخ». انگار در طول نمایش پرنده‌ها هستند که مدام مسخ شکلی دیگر می‌شوند؛ خواه حیوانی

Mobarak

7

9 Sep
2006

Daily Bulletin of The 11th Tehran International Puppet Theater Festival – Mobarak

کارگاه های تئاتر

مرکز تولید تئاتر عروسکی - نقش زرو - ۹۵۶۱۱۹
اجرا - مهر آبان و آذرماه ۱۳۶۶
تشریح عم بعد از ظهر - چهارشنبه - اسب - تهیه و تنظیم

اجرا - بلوار کشاورز - پارک لاله -
تلفون پرورش نگری کودکان و نوجوانان

نمایش عروسکی: بیژن نهی شریف
اجرا: صحنه: کامیون صحنه: غم

کارگاه ۲

نویسنده و کارگردان: بهروز غریب پور

۱۴
۱۲
۱۶
۱۵
۱۱
۱۰
۹
۸
۷
۶
۵
۴
۳
۲
۱

صحنه محبوب
صفا فیاضی
سید اردلان
سین دارشدگر
سید عبدالملکی
سود جعفری
شما شمس
مدق توفیق
مدکی میامی
بریم سعادت
ریبا جدیدار
هدره مجابی
شرف لیچویی
یدرا قهرمانی
بهولا احمدی فرد
زانه بهرام پور
وزان زاهدی
صاحبزادگان

نمایش عروسکی کارگاه ۲
نویسنده و کارگردان: بهروز غریب پور
اجرا: پاییز ۱۳۶۶



خانه هنر مندان ایران

تلفون پرورش نگری
کودکان و نوجوانان

تلفون پرورش نگری
کودکان و نوجوانان

گروه آموزش هنرهای نمایشی
دانشگاه هنرهای نمایشی و موسیقی

انجمن نمایش